

سمبولیزم دندان

خاقانی شیروانی در قصیده معروف « مداین » بیتی دارد که میگوید .
« دندانۀ هر قصری پندی دهدت نو نو پند سر دندانۀ بشنو ز بن دندان »
بدیهی است که معنای « بشنو ز بن دندان » این است که پند مورد بحث را با توجه و
دقت بشنو ، اما چرا باید « شنیدن از بن دندان » باین معنی باشد ؟ و اصولاً « بن دندان »
بقول معروف چه صیغه‌ای است ؟
شاید بتوان تصور کرد که این جا « بن دندان » کم و بیش معادل « ته دل » بکار رفته
است ولی « دل » البته جایگاه عواطف و مخزن اسرار است در حالیکه دندان چنین نیست .
اتفاقاً دندان از اجزاء ضروری دستگاه صوتی و یا تکلمی انسان هم نیست تا بخواهیم بدان
وسیله برای اصطلاح مزبور مبنائی از قبیل مثلاً اصالت پند مورد نظر شاعر قائل بشویم . لذا در
عبارت بالا در حقیقت با معنائی مواجه هستیم .

علی‌الاصول در زمینه اصطلاحات و مراسم و معتقداتی که در حال حاضر فاقد يك معنای
منطقی و معقول بنظر میرسند باید در درجه اول يك مبنای تاریخی را جستجو کرد ، و در این
مورد بخصوص يك چنین فحصى ما را بدو اصل هدایت می نماید : یکی اصل سمبولیزم دندان
و دیگر اصل هاتف‌ها و یا « Oracle » ها که در غالب فرهنگ‌های باستانی نقش بسیار مهمی
برعهده داشته‌اند .

متأسفانه ما خذ و منابع زیادی در این هر دو زمینه در دست نیست ولی آنچه که هست
جالب و آموزنده است .

يك ظرف سفالی از عهد حجر جدید چین در دست است که بشکل يك دندان آسیای
انسان با سه ریشه ساخته شده است ، و ما تصویر آنرا از دائرةالمعارف بریتانیکا تحت کلمه
سفال سازی « Pottery » ذیلا نقل می کنیم . (۱) تا حدی که ما اطلاع داریم یگانه مفهومی که
باستان شناسان برای شکل این ظرف قائل شده‌اند این است که
گفته‌اند مردمان عهد حجر با استفاده از آن میتوانسته‌اند در آن
واحد سه نوع مختلف غذا بپزند . اما اولاً این اصل که مردمان
عهد حجر در يك وعده سه نوع مختلف غذا داشته باشند بسیار بعید
است و ثانیاً خالی کردن غذا از محفظه‌هایی تا این حد تنگ‌دهانه
و عمیق با قاشق غیر مقدور بوده و اگر میخواستند ظرف را با
وارونه کردن آن خالی نمایند ناچار هر سه نوع غذای مفروض با
هم مخلوط میشده‌اند . لذا با احتمال قریب به یقین شکل این ظرف



جنبه سمبولیک دارد ، و این اصلی است که بر حسب نقش تعیین کننده سمبولیزم در هنر ما قبل تاریخی قویاً تأیید میگردد . اما ندیده ماندن يك نکته تا این حد بدیهی نیز نتیجه تفکیک جوانب مادی و معنوی فرهنگ باستانی از یکدیگر است که متأسفانه علاوه بر جنبه (محض سهولت امر) ی مبنائی نیز در ماهیت خود علم انسان شناسی معاصر دارد .

* * *

با در نظر گرفتن اهمیت استثنائی اصل باروری در فرهنگ‌های باستانی کمتر میتوان تردید داشت که منظور از انتخاب شکل دندان برای ظرف نامبرده القاء فراوانی و خیر و برکت بر غذای پخته شده بوده است و اتفاقاً کلمه دندان فارسی نیز در این زمینه جالب بنظر میرسد . توضیح اینکه در آذربایجان کلمه « دن » (بفتح دال) بمعنی دانه است و این همان کلمه‌ای است که در فارسی محاوره‌ای « دان » و یا « دون » تلفظ میشود . لذا بعید نیست که کلمه « دندان » در اصل بمعنی « دانه دان » بوده باشد - اسمی که احتمالاً من باب تیمن انتخاب شده و تا حدودی مصرع معروف « هر آنکس که دندان دهد نان دهد » را بخاطر میاورد . در تأیید این احتمال اصطلاح « دندان طمع » را نیز در زبان فارسی داریم که حاکی از ارتباط سمبولیک « دندان » با امید و آرزوهای مشتاقانه انسانها برای نعمت‌های این جهانی است . قرائنی نیز در نامگذاری پاره‌ای از اعضای بدن انسان به تبعیت از معتقدات باستانی وجود دارد که من غیر مستقیم مؤید مبنای کلمه « دندان » بترتیب بالامیباشند ولی متأسفانه پرداختن بآن مستلزم فحوص و بحثی جداگانه میباشد . ضمناً در مورد اصطلاح « دندان طمع » نگفته نماند همانطوریکه قبلاً در مورد کلمات **کلك** و **نیرنگ** دیده‌ایم (مجلهٔ یغما مورخهٔ مرداد ماه ۲۵۳۵) انعکاس طنز و یا خفت‌آمیز پاره‌ای از معتقدات و مراسم باستانی در اصطلاحات ازمنهٔ بعدی موارد نسبتاً زیادی دارد .

ضمناً با در نظر گرفتن مراتب بالا خیلی جالب بنظر میرسد که کلمه « دیش » (Dish) در زبان ترکی بمعنی دندان و در زبان انگلیسی بمعنی ظرف است ، بطوریکه گویی این کلمه در آغاز به‌هر دو معنی مزبور بوده و بعداً هر کدام از آنها در یکی از دو زبان نامبرده باقی مانده است .

در بارهٔ ارتباط سمبولیزم دندان با « دانه » مثال بسیار جالبی را نیز در هنر جدید و « یا » متجدد « داریم . توضیح اینکه اخیراً يك مجسمه ساز نوآورد فنلاندی مجسمهٔ بزرگی از يك دندان آسیای انسانی ساخته که دانه‌ای (گندم ؟) بر روی آن قرار دارد و بدین طریق مسائل گوناگونی از قبیل نقش احتمالی سمبولیزم دندان و ارتباط آن با دانه در افسانه‌ها و قصص فنلاندی از يك طرف و تجلی ناآگاهانهٔ سمبول‌های باستانی در کار هنرمندان امروزی بترتیبی که مکتب روان شناسی یونگ (Jung) طراح و مدافع آن است از طرف دیگر پیش می‌آید .

در زمینهٔ سمبولیزم دندان در کتاب « شاخهٔ طلائی » سر جیمس فریزر نیز می‌بینیم که در بین پاره‌ای قبائل بدوی دندان سلاطین مقدس را بعنوان يك یادگار مذهبی و یا نیمه‌مذهبی نگهداری می‌کنند ، و قرینهٔ از این رسم را در جزیرهٔ سیلان داریم که در یکی از معابد آن دندانی بعنوان دندان بودا نگاهداری میشود .

اتفاقاً دندان بودا سرگدستی دارد که قویاً «وید جنبه سمبولیک آن میباشد». توضیح اینکه معروف است وقتیکه پر تعالی‌ها در صف مقدم موج استعمار به جزیره سیلان راه یافتند این دندان را بعنوان مبارزه با «بت‌پرستی» در میدان شهر آتش زدند ولی اندکی بعد دندان دیگری بهمان عنوان در همان معبد ظاهر شد که هنوز هم هست و مورد احترام مردم میباشد. اروپائیان و بالاخص محافل مذهبی آنان غالباً بطور ضمنی این جریان را بعنوان نموداری از بی‌پایگی مقدسات بومیان و سحنه سازی کاعنبن آنان تلقی می‌کنند ولی با احتمال قوی آنچه که از نظر کاهنن معبد در درجه اول از اهمیت قرار داشته «فهمیم سمبولیک دندان بوده است و در این صورت همان نظوریکه در مورد سمبولیزم جای پا دیدیم (مجله «نما» پورخه آذر ماه ۱۳۵۳) هر دندانی را میتوان بنام بودا و یا هر شخصیت ممتاز مذهبی دیگری مورد احترام و ستایش قرار داد. ضمناً مبنای این حرمت را نیز باید بالاخص در اصل «هاتف» ها جستجو نمود.

اما موضوع هاتف‌ها نیز یک میحث بسیار مهمی است که امروزه در بر آورد مباحث فرهنگی ماقبل تاریخی کمتر مورد توجه قرار میگیرد. قرائنی در دست است که نوع بشر از زمان‌های بسیار باستان برای صداهائی که بر اثر جوشیدن چشمه‌های گرم و یا سرد شنیده میشده و یا بر حسب بیرون زدن بخار آب یا انجیره دیگر از قبیل گازهای گوگردی و انیدرید کربونیک و متان از شکافهای زمین برمیخاسته معانی و مفاهیم خاصی قائل بوده است و در نتیجه مدت‌های مدیدی از تاریخ بشر چنین پدیده‌هائی مراجعی را برای پیش بینی و پیش گوئی وقایع و حوادث تشکیل میداده‌اند. ما این مسئله را در مقاله‌ای تحت عنوان «عطسه، فین، صبر» (مجله «نما» مورخه اسفند ماه ۱۳۵۲) بطور نسبتاً مشروح مورد بحث قرار داده‌ایم و احتیاج به تکرار آن نیست لذا این جا همینقدر باید اضافه کنیم که ظاهراً اطاعت دستوراتی که از این مراجع صادر میشده واجب بوده است. هم چنین نگفته‌ایم که احتمالاً کلمه «سروش» فارسی نیز بهمین معنی یعنی یادگار (Oracle) های باستانی است، و ما کلمه «گوردوز» را نیز به معنی «شکاف گویا» و در نتیجه بمعنی (Oracle) میدانیم.

اما آیا سمبولیزم دندان چه ربطی به يك هاتف دارد. در پاسخ این سؤال اصل توجه دقیق بشر به شکل زمین و قائل شدن اسم‌هائی را برای شکل‌های مزبور داریم که از خصوصیات جسمی خود انسان گرفته شده‌اند. از آن قبیلند: سرکوه، کمرکوه، پایکوه، لب دریا، دهانه رودخانه، گردنه، سینه کش، دماغه و غیره. تا حدی، چنانکه در مقاله قبلی متذکر شدیم در آن بیت معروفی که میگوید «جهان را خط و خال و چشم و ابروست» این مسئله محتمل یک مفهوم فلسفی نیز قرار گرفته است. هم چنین در طب اساطیری ایران که مبنای طب بقراطی را تشکیل میدهد می‌بینیم که از عکس قضیه استفاده شده یعنی خصوصیات بدن انسان را به خصوصیات زمین تشبیه کرده‌اند.

بدین طریق وقتیکه به بینیم اسامی محلی بنام دندان داریم نتیجه میگیریم که با احتمال قریب به یقین شکل زمین در آنجاها طوری است که شباهتی به دندان دارد و چنین عامل

شکل زمین‌البدنه ممکن است يك كوه و یا صخره و یا دماغه‌ای از زمین و یا برآمدگی‌های کوه‌پایه‌ای و یا ساحل بوده باشد. در این زمینه شرحی در تاریخ بیعتی داریم که در باره تنگست امیر مسعود غزنوی از برابر سلجوقیان از محلی بنام **دندانان** نام میبرد. (۱) هم‌چنین بر طبق «فرهنگ جغرافیائی ایران» دو قریه نیز در ایران بنام **دندانه** داریم که یکی در بخش حرمة نصرستان مشهد و دیگری در بخش گیلان شهرستان شاه‌آباد غرب واقعند، و البته خیلی جالب میبود اگر مبنای شکل زمینی اسامی مزبور در محل جستجو میشد. اما جالب‌تر از همه صخره‌ای است در جزیره شاهی دریاچه رضاییه که بنام **دندان** خوانده میشود. در این زمینه آلفونس گابریل در کتاب «تحقیقات جغرافیائی راجع بایران» (۲) می‌نویسد: «از کشفیات ا. ف. اسمید در آذربایجان باید گنجینه و قبر هلاکو را در صخره **دندان** واقع در انتهای غربی جزیره شاهی که بسیار صعب‌المبور میباشد نام برد. و بر طبق آنچه گذشت کمتر میتوان تردید داشت که این صخره نیز سه شاخه یعنی بشکل **يك دندان** آسیای انسانی میباشد.»

بدین طریق نتیجه میگیریم که با احتمال قریب یقین اصطلاح «بشنو زین دندان» که خلقائی در شعر خود نگار برده یادگار يك هاتف باستانی است که در پای کوه و یا صخره‌ای که کم و بیش شکل **يك دندان** را داشته واقع بوده و از **يك نفوذ** معنوی فوق‌العاده برخوردار بوده است.

در زمینه ارتباط سمبولیزم دندان با اصل باروری قویاً محتمل است که چشمه هاتفی که در «بین دندان» واقع بوده خود سمبول باروری نیز بوده بطوریکه نیرومندی آن نمودار فراوانی نعمت و بالعکس ضعف آن نمودار کمبایی‌ها و فنود امور بوده است. ارتباط سمبولیزم دندان با «دانه» نیز ممکن است نتیجه غیرمستقیم ارتباط آن با اصل باروری باشد. ولی در عین حال مبنای بسیار مهم دیگری نیز در این زمینه محتمل بنظر میرسد و آن اینکه کوه و یا صخره دندان اولیه در جایی واقع بوده که گندم برای اولین مرتبه در آنجا اهلی شده و کشاورزی که سنگ اول بنای تمدن است در آنجا پیدا شده است، و در این زمینه خیلی جالب است که دانش معاصر محل پیدایش گندم اولی را در «ماوراء قفقاز» یعنی حدود آذربایجان قرار میدهد. در عین حال قویاً محتمل است که کشاورزان اولیه تا مدت‌های مدیدی گندم را فقط جوشانیده و میخوردند و لذا ممکن است که ساختن ظرفی بشکل دندان برای جوشانیدن گندم نیز بر تجلی نهایی سمبولیزم مزبور در کلمه «دندان» فارسی که كك کرده باشد.

اما نگاهداری دندان سلاطین مقدس و دندان بودا نیز با احتمال قریب به یقین رسمی است که بیشتر بر قیاس گفته‌های آنان، گفته‌هایی که نیمه‌الطیور و برکت اجتماع مزبوط بوده است، گمان می‌کنیم باستان‌پژوهان قدیمی است که در سانسو و پارس و هند و چین و هندو و مسلمانان ایرانی و مغولی آسیای و یا استانی بودند است. کلمه **سنان** سمبولیستیک در زبان ارمینی

است - با تلقینات هاتف « بن دندان » میباشد .

در زمینه نفوذ وسیع و تعیین کننده سمبولیزم دندان و هاتف مربوطه در ضمن قرون و دهور خیلی جالب است که زن کاهنی نیز که در مبد یونانی دلفی بر روی شکافی که بخار از آن متصاعد میشده می نشست و پاسخ سئوالاتی را که در باره مهم امور از او میشده از طرف هاتف میداده بر روی يك صندلی سه پایه قرار میگرفته است . نقش مشابهی را نیز در هنر معروف « بن این » از کشور افریقائی نیجریه داریم .

ضمناً گفته نماند که با در نظر گرفتن نفوذ معنوی وسیع و عمیق سمبولیزم دندان کاملاً ممکن است اسامی محلی از قبیل دندانقان ، دندان و غیره نه بر حسب وجود واقعی شکل های زمینی دندان در آن محل ها بلکه فقط من باب تمین انتخاب شده باشند ، و بدیهی است که يك چنین جریانی بهیچوجه از اعتبار آنچه که در باره مبنای سمبولیزم مزبور گفته شد نمی کاهد .

در باره قدمت هاتف مورد بحث سمبولیزم دندان در ظرف چینی را داریم که مربوط به عهد حجر جدید یعنی لااقل مربوط به حدود هفت هزار سال پیش است و علی الاصول باید مبتنی بر معتقداتی خیلی باستانی تر از زمان مزبور بوده باشد . اما قدمت واقعی هاتف مزبور را فقط موقمی میتوان درك کرد که محل دقیق و دندان « زمینی مربوطه کشف گردد و در این زمینه این نکته شایان کمال توجه است که دانش معاصر محل پیدایش ، تکامل و گسترش فرهنگ را در حدود آسیای جنوب غربی و بالاخص در حواشی شمالی ، شمال غربی فلات ایران جستجو می نماید . بدین طریق با در نظر گرفتن قرائن خاصی از قبیل موطن اصلی گندم اهلی و غیر آن که مجموعاً حاکی از انطباق کانون اصلی پیدایش و تکامل فرهنگ با حدود آذربایجان میباشد این تصور پیش می آید که شاید صخره جزیره شاهی دریاچه رضائیه سرچشمه اصلی هاتف مورد نظر بوده باشد ، ولی روشن تر شدن مطلب مستلزم بررسی دقیق زمین شناسی و خصوصیات شکل زمینی همه سرزمین آذربایجان در عهد چهارم زمین شناسی میباشد .

در حقیقت علوم باستان شناسی و انسان شناسی که بر اثر تحقیقات وسیع و دقیق خود در جستجوی سرچشمه اصلی میراث فرهنگی ما را بر حواشی فلات ایران هدایت نموده اند امروزه دیگر به حد نهائی امکانات خود در این زمینه رسیده و یا بآن خیلی نزدیک هستند و در نتیجه باید پیشرفت بیشتر دانش را در این باره در زمینه علوم دیگر بالاخص زمین شناسی عهد چهارم آذربایجان جستجو نمود . ضمناً اهمیت علمی مطالبی از قبیل سمبولیزم دندان و نظایر آن باین جهت است که بدین طریق میتوان ریشه های محیطی - روانی آن میراث فرهنگی را که از زمان های مجهول باستانی بدست ما رسیده و امروزه حتی خصوصی ترین افکار ما بنحوی از انحاء در تحت تأثیر آن قرار دارد روشن ساخت ، تا معلوم گردد که آیا میراث مزبور مبتنی بر واقعیات و استنتاجات منطقی بشر باستانی میباشد و یا بالعکس همانطوریکه امروزه بطور ضمنی فرض میشود مبتنی بر اوهام و خرافات بوده است .

مسئله بالا علاوه بر اهمیت فوق العاده زیاد علمی که دارد و علاوه بر يك نقش اصولی که

میتواند در طرز جهان بینی همه نوع بشر در زمان پرماجرای معاصر ایفا کند ، بمناسبت ارتباطی که به ایران زمین دارد طبعاً از نظر خود شناسی ما ایرانیان دارای ارج و اهمیت خاصی نیز میباشد .

بدین طریق این يك نکته بسیار شایان توجهی است که در سرزمین‌هایی مانند حواشی شمالی و غربی فلات ایران و بالاخص در آذربایجان که در دوران زندگی بشر فرهنگی در معرض حرکتهای مهم قشر زمین و زلزله‌های مخرب ناشیه از آن قرار داشته‌اند اوضاع و احوال چشمه‌های جوشان و پدیده‌های مشابه دیگر از قبیل بیرون زدن بخار آب و انجره مختلف دیگر از شکافهای زمین میتوانسته بمنوان شاخص وقایعی که در پیش بوده و در زندگی اجتماع تأثیر فراوان داشته است مورد استفاده باشد و این میتواند مبنای انواع هاتفاها و تآل‌ها درازمنه بعدی بوده باشد .

ما جنبه خاصی از این مسئله را در زمینه ارتباط عطسه با صبر قبلاً مطرح کرده‌ایم (مجله نیما مورخه اسفند ۱۳۵۲) و حالا باید اضافه کنیم که برطبق آنچه که از بررسی زمین شناسی عهد چهارم آذربایجان برمی‌آید در سرزمین مزبور حرکت قشر زمین توأم با بالا آمدن آن بوده و بالا آمدن قشر توأم با عقب نشینی بسیار تدریجی آب دریائی بوده که در قسمت اعظم عهد چهارم همه گودی‌های آن منطقه را پر میکرده و با بحر خزر بزرگ آن زمان مربوط بوده است و بدیهی است که عقب نشینی آب دریا و تبدیل يك سرزمین بحری به يك سرزمین بری بطور مستقیم و غیر مستقیم در زندگی ساکنین منطقه تأثیر قاطع داشته است . ضمناً و در عین حال طبعاً بر اثر بالا آمدن قشر پاره‌ای از چشمه‌ها خشک شده و یا مجرای زیرزمینی آنان منحرف میگردد و هم چنین میزان انجره و نوع صداهائی که از شکافهای زمین برمیخاسته تغییر پیدا میکرده و تحت چنین شرایطی طبیعی است که بشر ساکن منطقه سر نوشت خود را با اوضاع و احوال چنین پدیده‌هایی مربوط دانسته و بخواهد وقایع آینده را از رومی آنان پیش بینی کند . ضمناً در مدت زمان بسیار طولانی مورد نظر حرکت قشر زمین در آذربایجان توأم با تغییرات مکرری در اوضاع جوی منطقه نیز بوده و بدیهی است که تحت چنین شرایطی نیز وضع چشمه‌ها و پدیده‌های نامبرده دیگر میتوانسته پيك اوضاع و احوال آینده و مخصوصاً وسیله پیش بینی رویدادهائی از قبیل سیل و بالا آمدن آب دریا و هجوم آن به ساحل و حتی طوفان داستانی بوده باشد .

در خاتمه باید اضافه کنیم که اهم مطالبی که از بررسی خصوصیات آن فرهنگ روایان و شکوفانی که مسلماً در ریشه فرهنگ امروزی قرارداد درك میگردد عبارت از وابستگی عاطفی و « علمی » بسیار نزدیک دارندگان آن با محیط زیست است . ضمناً بر طبق قرائنی که از بررسی دقیق زمین شناسی عهد چهارم آذربایجان و تطبیق حیرت آور آن با اساطیر و قصص برمی‌آید (۱) با احتمال قریب بیقین اطلاعاتی که متفکرین اولیه بدین طریق بدست می‌آورده‌اند با بینشی عمیق همراه بوده است .

۱- « زمین شناسی عهد چهارم آذربایجان و تطبیق آن با اساطیر و روایات » بقلم